

یادداشت

درباره تغییر نام خزر به کاسپین

بر مبنای این اصول عام و جهانی، معمولاً توصیه این است رهبران سیاسی و دولت‌ها از اراده‌گرایی در نام‌گذاری و اقدام از بالا برای تغییر نام‌های تثبیت‌شده، جاافتاده و مورد استفاده عموم خودداری کنند. بر مبنای این اصول و قواعد، نام‌ها حاصل یک انتخاب طبیعی هستند: به وجود می‌آیند، یا می‌گیرند و گاه خودبه‌خود و بدون اینکه الزاماً بدانیم چرا و چگونه، ممکن است متروک شوند. این قواعد و اصول تأکید دارند قدرت‌های سیاسی و اراده‌ها نباید در این روند مداخله کنند. یکی دیگر از دلایل ضرورت ثبات نام‌ها، اهمیت آنها در بحث میراث فرهنگی ملت‌ها و گروه‌های جمعیتی است. نام‌های جغرافیایی در فولکلور، ادبیات، سنت‌ها و آداب و رسوم مناطق جایگاه مهمی پیدا می‌کنند و تغییر آنها از بالا می‌تواند موجب انواع گسست‌ها نیز بشود. در این مورد، پیوستگی نام‌شناختی نیز حائز اهمیت است. باید دید آیا تغییر نام پیشنهادی باعث گسست غیرضروری در سوابق فرهنگی، ادبی، اسناد و داده‌های جغرافیایی می‌شود؟

نام خزر و دلیل پیشنهاد تغییر آن

بر مبنای مطالعات و بررسی‌هایی که توسط «کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران» انجام شد، سازمان نقشه‌برداری کشور در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۹/۱۸ تصویب کرد: «جهت جلوگیری از هرگونه سونتفاهم احتمالی و جلوگیری از تشتت آراء در زمینه نام پهنه آبی شمال کشور، از نام «خزر» در داخل کشور و Caspian در متون خارجی، قرارداده‌ا و معاهدات بین‌المللی استفاده گردد.» در بخشی از توضیحات این کمیته گفته شده است: «در منابع تاریخی بیش از ۳۵ نام مختلف برای خزر به کار برده شده است، اما در ۲۵۰ سال اخیر همواره از نام خزر استفاده شده است.» در این توضیحات از جمله به معاهدات ایران و شوروی سابق و قراردادهای بین‌المللی بین دو کشور استناد شده که در متن فارسی آنها از نام خزر استفاده شده است.٣ مصوبه مذکور طی بخش‌نامه‌ای با امضای معاون اول وقت رئیس‌جمهور به همه دوایر حکومتی ابلاغ شد. دلیل این اقدام، آن بود که استفاده از نام‌های متعدد برای دریای شمال ایران با مصوبات داخلی و بین‌المللی مغایرت داشت.

کمیته مذکور در دو تاریخ دیگر نیز بر نظر خود تأکید کرد؛ نامه‌ای از این کمیته به اداره کل حقوقی وزارت خارجه مورخ ۱۳۹۲/۶/۳۰ با شماره ۱۳۹۱۴ در دست است که در پاسخ به «درخواست شفاهی نماینده محترم آن وزارتخانه مبنی بر بررسی مجدد نام خزر» نوشته و در آن خاطرنشان شده است: «موضوع مجدداً در کمیته مورد بحث قرار گرفت و اعضای کمیته بر تصمیم قبلی خود صحه گذاشتند.» یک صورت‌جلسه کمیته مذکور مورخ ۱۴۰۰/۵/۲۰ نیز حکایت از آن دارد که متعاقب درخواست رئیس دانشگاه مازندران، موضوع مجدداً با شرکت نام‌برده بررسی شد. در این جلسه، نام‌برده «با تأکید بر ایرانی‌بودن قوم کاسپی و در مقابل غیرایرانی‌بودن قوم خزر و مزاحمت‌های بسیاری که آنها برای ایرانیان فراهم می‌کرده‌اند»، خواستار تغییر نام خزر به کاسپی بوده که مورد موافقت قرار نگرفته است.

قطعا کاسپیی به عنوان یک قوم ایرانی باستانی، نامی معتبر است و در منابع ایران باستان و یونان به آن پرداخته شده است.٢ اما معتبربودن یک نام نمی‌تواند دلیل معتبری برای جایگزینی آن با نام دیگری باشد. نام کاسپین در اکثر زبان‌های خارجی برای دریای شمال ایران کاربرد دارد و دو کشور ساحلی یعنی روسیه و قزاقستان نیز از نام کاسپین استفاده می‌کنند، اما دلیلی که برای حذف نام خزر ارائه شده، با اصول و موازین حوزه نام‌گذاری مطابقت ندارد. اجتناب از دخالت‌دادن علایق ملی، قومی و مذهبی در نام‌گذاری‌های جغرافیایی، یکی از مهم‌ترین اصولی است که همواره مورد تأکید استانداردسازی اسامی جغرافیایی (Toponymy) به عنوان یک فعالیت علمی بین‌رشته‌ای و کاربردی قرار داشته است. دخالت‌دادن این معیارها موجب بی‌ثباتی نام‌های جغرافیایی و وابسته‌شدن آنها به تمایلات تحول‌یابنده جوامع و تغییر مکرر آنها برمبنای ترجیحات و سیاست‌های روز می‌شود و می‌تواند موجب اختلاف و تنش بین گروه‌های سیاسی و جمعیتی نیز شود.

در راستای ارائه دلیل برای تغییر نام خزر به کاسپین، احمد کاظمی، کارشناس مسائل سیاسی، در برنامه «قاراگاه جنک» شبکه افق در اواخر مرداد گفت: «پشت نام‌گذاری خزر یک توطئه صهیونی قرار دارد». او از قول آرتور کستلر مطرح کرد: «نیای یهودیان آشکارزی که بنیان‌گذار اسرائیل بودند، همین یهودیان خزر هستند… و برخی کشورها به‌ویژه جمهوری آذربایجان، این موضوع را جی می‌اندازند و جهانیان، ایرانی‌ها را بابت استفاده از نام خزر مسخره می‌کنند.»

روشن است صهیونیسم یک پدیده مدرن است و قومی که در قرون وسطی می‌زیسته، نمی‌تواند ربطی به آن داشته باشد. اگرچه شواهد تاریخی تأیید می‌کند قوم خزر در بسیاری موارد مزاحمت‌هایی برای ایرانیان داشته و اغلب با دشمنان ایران همراه بوده، سؤال این است که آیا می‌توان عدم مطلوبیت یک قوم تاریخی را مبنایی برای نام‌گذاری یک پدیده جغرافیایی قرار داد؟

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

قرار بود از عمان به ایران برگردیم؛ روز ۳۱ شهریور ۱۴۰۵، در شرایطی که از روز بعد، پروازهای عمان به ایران متوقف می‌شدند، مثل هر سفر دیگری، بلیت داشتیم و برنامه‌مان مشخص بود. فکر می‌کردیم کافی است طبق اطلاعاتی که شرکت هواپیمایی به ما می‌دهد، برای رسیدن به پرواز برنامه‌ریزی کنیم. اما اتفاقی افتاد که نمتنها برنامه سفرمان را به هم ریخت، بلکه ما را در کشوری غریب، با نگرانی و هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده، تنها گذاشت. ساعت ۱۴:۳۸ همان روز، پیامک رسمی تغییر زمان پرواز از طرف هواپیمایی سپهران برایمان ارسال شد. در پیامک اعلام شده بود پرواز به‌جای ساعت ۱۲:۴۰، ساعت ۲۳:۴۰ انجام خواهد شد. ما هم مثل هر مسافر دیگری، به اطلاع‌رسانی رسمی شرکت اعتماد و براساس همان ساعت جدید برنامه‌ریزی کردیم. اما پرواز ساعت ۲۴:۴۰ انجام شد؛ یعنی دقیقاً در همان ساعت اولیه‌ای که پیش از پیامک اعلام شده بود. ما ساعت ۲۱:۴۷ برای دریافت کارت پرواز به کانتر مراجعه کردیم؛ یک ساعت و ۵۳ دقیقه پیش از ساعتی که در پیامک اعلام شده بود و متوجه شدیم کانتر بسته شده و ما جا مانده‌ایم. ما تنها نبودیم؛ دست‌کم ۱۰ مسافر دیگر را هم دیدیم که در همین وضعیت قرار گرفته بودند.

تصور کنید در یک کشور خارجی باشید، آن هم در آخرین روزی که قرار بود از فردای آن روز، پروازهای عمان به ایران متوقف شوند؛ به پیامک

در واقع وقتی متصدیان موزه داده‌ها را بازبینی و «مبدأ تبلیغ» را از «مقصد سفر» جدا کردند، نقشه درست ساخته شد. این مثال کوچک نکته بزرگی دارد: هوش مصنوعی الگوها را سریع پیدا می‌کند، اما لزوماً معنای تاریخی آنها را نمی‌فهمد. و اگر کسی بازبینی نکند، یک خطای ظریف می‌تواند ساده و باورپذیر به نظر برسد.

چرا مدل‌های اختصاصی؟

مشکل فقط این نیست که ماشین گاهی اشتباه می‌کند، بلکه این است که ماشین از کجا آموخته است؟ چت‌بات‌های تجاری با حجم عظیمی از متن‌های اینترنت آموزش دیده‌اند و اینترنت پر از خطا، برچسب غلط و تعصب است. اگر چنین مدلی در فهرست‌نویسی یک موزه دخالت کند، ممکن است یک ادعای نادرست وارد رکورد رسمی یک مجموعه شود و سال‌ها بماند. مورگان به این خطر «آلودگی داده» می‌گوید، مثل وقتی که آب پاک را با آب آلوده مخلوط کنید. برای همین، گروه موزه‌های علوم بریتانیا مدلی داخلی به نام «دالیا» (Dalia) ساخته است. این مدل از یک نرم‌افزار متن‌باز شروع شده، ولی فقط با اطلاعات تأییدشده خود موزه آموزش دیده است: فهرست‌های رسمی، آرشیو عکس‌ها و سوابق متصدیان. هیچ متنی از وب عمومی وارد آن نمی‌شود. دالیا به موزه کمک می‌کند عکس‌های تکراری را پیدا کند، متن‌های دست‌نویس را با جست‌وجوی ساده ربط بدهد و مجموعه‌ها را بر اساس موضوع دسته‌بندی کند؛ مثلاً همه عکس‌های مربوط به کشتی‌سازی با ماشین‌الات کشاورزی. دلیل دوم عمیق‌تر است. این مجموعه موزه‌ها در دوران ویکتوریایی و در اوج امپراتوری بریتانیا شکل گرفته و مجموعه‌اش حامل نگاه‌ها و پیش‌فرض‌های امپریالیستی همان دوران است. متصدیان امروز بخشی از کارشان را صرف بازنگری این

رسمی شرکت هواپیمایی اعتماد کرده باشید و بعد بفهمید هواپیما بدون شما پرواز خواهد کرد. در آن لحظه، فقط با یک بلیت از دست‌رفته مواجه نیستید؛ باید در کشوری دیگر، بدون برنامه‌ریزی قبلی، راهی برای بازگشت پیدا کنید. آن هم در شرایط جنگی و نابسامان، با انبوهی از نگرانی و سردرگمی و این سؤال که «حالا چه کار کنیم؟». ما تلاش کردیم مسئله را از طریق کارکنان و نمایندگان سپهران در عمان پیگیری کنیم. شماره تماس آنها را داشتیم، اما پاسخ مؤثری دریافت نکردیم و به ما گفته شد کاری از دستشان برنمی‌آید. حتی اعلام کردیم حاضریم بدون بار و چمدان سفر کنیم، اما این پیشنهاد هم به بازگشت ما با همان پرواز منجر نشد. موضوع را به کارمند سفارت ایران که در محل فرودگاه حاضر بود هم اطلاع دادیم؛ بااین‌حال، در عمل نتوانستیم از این مسیر راه‌حلی برای بازگشت پیدا کنیم و پرواز در جلوی چشمان متحیر ما به سمت ایران پرواز کرد. در نهایت مجبور شدیم برای دو روز بعد، یعنی ۲ مهر ۱۴۰۵، بلیت جایگزین تهیه کنیم، با هواپیما به بغداد برویم و از آنجا مسیر زمینی را تا مرز خسروی ادامه دهیم و پس از ۲۴ ساعت به ایران برسیم.

این مسیر جایگزین فقط تغییر مقصد یا تعویض بلیت نبود؛ هزینه‌های اضافی، خستگی سفر، فشار جسمی و روانی، نگرانی درباره ادامه مسیر

روایت‌ها می‌کنند. ابزاری که از اینترنت آموخته، ممکن است همین پیش‌فرض‌های قدیمی را با لحنی مطمئن بازتولید کند و چون متن ماشین‌روان و بی‌تردید است، خواننده راحت‌تر باورش می‌کند. به زبان ساده‌تر، ماشین می‌تواند «باورپذیر» بنویسد، اما باورپذیربودن با درست‌بودن یکی نیست.

دیگر موزه‌های جهان چه می‌کنند؟

علاوه بر گروه موزه‌های علوم بریتانیا، در موزه تاریخ طبیعی لندن (Natural History Museum)، بنیادیی ماشین برای دیجیتال‌کردن کشورهای پر از نمونه‌های حشرات به کار رفته است. هدف این است که پژوهشگران بتوانند در طول دهه‌ها، تغییر اندازه حشرات را دنبال و این داده‌های قدیمی را به پژوهش‌های تغییر اقلیم وصل کنند. در موزه جانورشناسی دانشگاه کمبریج (University Museum of Zoology, Cam-)، بازدیدکننده می‌تواند با یک «نهنگ سخنگو» گفت‌وگو کند. اما این گفت‌وگو فقط از مجموعه‌ای بسته و گزینش‌شده از اطلاعات تأییدشده بیرون می‌آید تا حرف تازه و بررسی‌نشده به بازدیدکننده نرسد. موزه لور (Louvre) در پاریس با همکاری یک شرکت خصوصی «راهنمای گفت‌وگومحور برای نوجوانان» ساخته است. موزه ملی علوم نوظهور و نوآوری زاین (Miraikan) دستیارهای گفت‌وگو را مستقیماً در نمایشگاه دائمی گذاشته تا مفاهیم علمی پیچیده را برای بازدیدکننده توضیح بدهند. موزه آلمانی «دیپس‌موزیوم (Deutsches Museum) در مونیخ، سندی با عنوان «ماوریت هوش مصنوعی» (Mission AI) منتشر کرده که قاعده‌های آزمایشی‌های دیجیتالش را شفاف می‌کند و می‌پذیرد کار هنوز در حال شکل‌گیری است. بنابراین در طیفی از رویکردها که از داده‌های کاملاً بسته و کنترل‌شده تا ابزارهای تجاری باز گستره است، یک چیز مشترک وجود دارد: در هر مورد، پرسشی در

روایت سفر بازگشت از عمان که قرار بود ساده باشد، اما به تجربه‌ای پرهزینه و پراسترس تبدیل شد

جاماندگان آخرین پرواز مسقط به تهران

مسافرانی که به پیامک تغییر زمان پرواز اعتماد کردند

فائزه حسینی

و بلاتکلیفی در کشوری دیگر، بخشی از تجربه‌ای بود که هیچ‌کدام برایش برنامه‌ریزی نکرده بودیم. ما می‌خواستیم به خانه برگردیم، اما ناچار شدیم برای رسیدن به ایران، مسیری دشوارتر و پرهزینه‌تر را طی کنیم. بعد از بازگشت، شکایت رسمی خود را برای هواپیمایی سپهران ارسال کردیم؛ هم از طریق ایمیل و هم با ثبت شکایت و پیگیری تلفنی. حدود ۲۰ روز از آن اتفاق گذشته است و با وجود درخواست صریح ما برای دریافت پاسخ مکتوب، تاکنون پاسخ رسمی و مکتوبی دریافت نکرده‌ایم. در پیگیری تلفنی، توضیح شرکت این بود که پس از اعلام تأخیر، هواپیمایی عمان و فرودگاه به آنها اطلاع داده‌اند پرواز باید در ساعت اصلی انجام شود ولی با این حال هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی مجدد در این باره به مسافران اعلام نشده بود.

شرکت در همان تماس، مسئولیت اتفاق را متوجه خود داناست و مسئولیت را به هواپیمایی عمان و دیررسیدن مسافران نسبت داد؛ کوپی ارسال پیامک رسمی تغییر زمان پرواز، هیچ مسئولیتی برای هواپیمایی سپهران ایجاد نمی‌کرد.

موضوع عجیب دیگر این بود که اعلام شد با مسافران جامانده تماس گرفته شده است؛ درحالی‌که با من و هیچ‌یک از سه عضو دیگر

خانواده‌ام تماسی از سوی شرکت سپهران برقرار نشده بود. تمام تماس‌ها و مکاتبات برای پیگیری موضوع، تاکنون از طرف خود ما انجام شده است. در آخرین تماس نیز وقتی درخواست کردیم توضیحات شرکت به صورت رسمی و مکتوب در اختیارمان قرار بگیرد، گفته شد موضوع بررسی می‌شود؛ اما تا زمان نگارش این روایت، پاسخ مکتوبی دریافت نکرده‌ایم.

من نمی‌دانم اختلافات عملیاتی میان شرکت هواپیمایی، فرودگاه و سایر طرف‌های ذخیل دقیقاً چگونه بوده و مسئولیت نهایی از نظر مقررات برعهده کدام طرف است، اما یک پرسش برایم همچنان باقی است: اگر شرکتی به مسافران پیامک رسمی می‌فرستد و ساعت جدیدی برای پرواز اعلام‌رسانی مؤثر به مسافران با چه کسی است؟

آیا می‌توان به مسافر گفت به پیامک رسمی شرکت اعتماد کند، اما وقتی همان برنامه تغییر می‌کند، هیچ اطلاع‌رسانی مؤثری انجام نشود؟ و اگر مسافر براساس همان پیامک برنامه‌ریزی کرده باشد، آیا تمام هزینه‌ها و پیامدهای این اتفاق باید بر دوش او بماند؟

ما در همان شب، موضوع را به پلیس عمان، سفارت ایران، شرکت علی‌بابا و خود هواپیمایی سپهران اطلاع دادیم و پیگیری کردیم؛ اما در آن

معماری اعتماد در عصر هوش مصنوعی

و ادعاهایی که بازدیدکننده به حساب اعتبار موزه باور می‌کند. این دسته محل توجه بسیار زیادی است. ماشین می‌تواند متنی روان و حتی دقیق بنویسد، اما اگر متن اشتباه بود، چه کسی مسئول است و چه کسی می‌تواند آن را اصلاح کند؟ به نظر می‌رسد ریشه‌های اعتماد از محصول به فرایند نیز منتقل می‌شود. با اینکه موزه‌ها همچنان از معتبرترین نهادهای علمی در دنیا هستند، ولی در آینده‌ای نزدیک همه چیز در آستانه تغییر قرار خواهد گرفت. وقتی همه‌جا متن‌های روان و کارشناس‌نما تولید می‌شود، اعتبار نهاد به‌تنهایی کافی نیست. نهاد باید نشان بدهد این متن را چه کسی نوشته، از کدام منابع آمده و چه کسی آن را بررسی کرده است. یعنی باید روش‌هایی برای حفظ و بررسی و نمایش اعتبارش به کار ببندد. به همین دلیل، مدلی مثل دالیا با نهنگ سخنگوی کمبریج تا حدی معتبر است؛ چون منبعش معلوم است. البته این انتخاب هزینه دارد. ساخت مدل اختصاصی به متخصص داده، زمان و بودجه نیاز دارد. موزه‌ای که این امکانات را ندارد، احتمالاً به ابزارهای تجاری آماده روی می‌آورد و همان ریسک آلودگی داده را می‌پذیرد. پس بحث فقط «آیا از هوش مصنوعی استفاده کنیم؟» نیست؛ جنبه دیگری از بحث این است که چه کسی می‌تواند مرزش را به‌صورت شفاف و قابل کنترل جانیایی کند و چه کسی نمی‌تواند. این شکاف احتمالاً بین نهادهای بزرگ و کوچک و بین کشورهای مختلف، عمیق‌تر هم می‌شود. باید توجه کرد «انسان‌نویشته» به‌خودی‌خود ضمانت درستی نیست. خود موزه‌ها هم می‌دانند متصدیان انسانی هم اشتباه کرده‌اند و روایت‌های امپراتوری‌محور و امپریالیستی با انواع دیگر سوگیری‌ها برای دهه‌ها در برچسب‌های موزه‌ها مانده‌اند. قاعده واقعی در این رویکرد، «انسان در برابر ماشین» نیست؛ «قابلیت پاسخ‌گویی و اصلاح» است.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

«سودوکو سخت ۴۴۳۳

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

«سودوکو ساده ۴۴۳۳

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

«حل سودوکو ۴۴۳۲

۵	۹	۳	۸	۷	۴	۱	۶	۲
۴	۷	۱	۳	۶	۲	۵	۹	۸
۸	۶	۴	۱	۵	۷	۳	۲	۴
۱	۸	۵	۹	۴	۳	۶	۲	۷
۷	۳	۹	۲	۱	۶	۸	۴	۵
۶	۴	۷	۵	۸	۱	۳	۲	۹
۳	۱	۶	۵	۲	۷	۴	۸	۹
۹	۵	۸	۴	۳	۱	۲	۷	۶
۲	۴	۷	۶	۹	۸	۳	۵	۱

۴	۱	۹	۶	۲	۷	۵	۳
۷	۲	۶	۳	۵	۱	۴	۸
۹	۳	۵	۸	۴	۷	۶	۱
۲	۴	۷	۱	۸	۳	۹	۶
۳	۵	۹	۴	۲	۶	۸	۱
۸	۶	۱	۵	۷	۹	۳	۲
۵	۹	۳	۷	۱	۸	۲	۴
۱	۸	۲	۶	۹	۳	۵	۳
۶	۷	۴	۲	۳	۵	۱	۹

«حل جدول ۵۴۳۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ح	ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۲	ک	ا	ب	ر	ا	ن	گ	و	ن	ی	هـ	ا	د	س
۳	م	ع	ا	د	ت	ر	ا	ش	د	ی	ا	ز	ر	ا
۴	ر	ش	ت	ک	ا	ر	ا	م	ل	ا	ث	م		
۵	ا	ب	و	ا	ر	ی	ا	و	ر	ی	ل			
۶	ن	ر	ی	ن	ا	ک	ن	س	ک	ر	ی	ل		
۷	ت	م	ی	ت	و	ر	ن	د	ی	م	ا	و	ت	
۸	ج	ا	ف	ت	و	ش	ی	ا	و	ر	ج	ر		
۹	هـ	ن	ر	ب	س	ا	ط	ح	ا	ن	ا	و		
۱۰	ا	س	ا	و	ا	ل	ا	ن	ت	ک	ی	د	هـ	
۱۱	م	و	ن	ک	ی	ر	م	ا	ن	م	ی	ن		
۱۲	ی	ا	و	ن	ر	ز	م	ن	د	س	ب	ن	ک	
۱۳	ل	ر	و	ا	ی	ا	م	ش	ی	ن	ا	و		
۱۴	و	ز	ا	ر	ت	ر	س	ن	ت	ر	د	س		
۱۵	ا	ب	ا	ل	م	د	و	ی	هـ	و	م			

ادامه‌از صفحه اول